فرهنگ حجاب اسلامى‏

محمد باقر شريعتى سبزوارى

از نظر اسلام، حجاب بانوان، تنها پوشيدن اندام، بازوها، زير گلو، بنا گوش و مواضع زينت و زيبايى نيست، بلكه ستر و پوشش، يك نوع فرهنگ دينى است كه احكام ويژه خود را دارد.

همان گونه كه بر مرد اجنبى نگاه به بدن زن نامحرم جايز نمى‏باشد، بر بانوان نيز واجب است اندام و نقاط زينتى خود را از مردان نامحرم بپوشانند.

البته مردها نيز حتى المقدور بايد بدن خود را از زنان نامحرم بپوشانند، به ويژه اگر بدانند كه زن‏ها به قصد لذت و يا ريبه به بدن آنان نگاه مى‏كنند.(1) گر چه به جز موارد خاصى، پوشيدن ساير قسمت‏هاى بدن بر مردها واجب نيست، ولى بر بانوان حرام است به بدن نيمه عريان، بازوان و ساير قسمت هايى كه معمولاً مردها مى‏پوشانند، بنگرند. به طور كلى باز گذاشتن هر جاى بدن به قصد به حرام انداختن نامحرم، حرام است.(2)

اصولاً فقهاى معاصر و پيشين، حرمت نگاه و لزوم پوشش بانوان را يكى از واجبات مسلّم و قطعى به عنوان احكام اوليه مى‏دانند. براى آشنايى عزيزان به چند نمونه از گفتار آنان اشاره مى‏كنيم:

1 . شهيد اول در مسالك مى‏فرمايد: مرد نامحرم نبايد به زن نامحرم نگاه كند، مگر در حد ضرورت؛ آن هم براى يك مرتبه، جايز است و تكرار آن حرام مى‏باشد؛ مثلاً هنگامى كه زن و مردى بخواهند با هم ازدواج كنند، نگاه كردن هر يك به ديگرى مطلوب خواهد بود. در منابع اهل سنت، حديثى از ابو هريره نقل شده كه مى‏گويد: در محضر پيامبرصلى الله عليه وآله‏بودم، مردى از راه رسيد، عرض كرد: من با زنى از انصار ازدواج كرده‏ام. حضرت رسول‏صلى الله عليه وآله‏پرسيد: آيا به او نگاه كرده‏اى؟ عرضه داشت: خير، فرمود: «فاذهب فانظر اليها؛ حتماً مى‏روى و به او نگاه مى‏كنى كه در چشم آنها چيزى هست.»(3)

مقصود اين است كه با نگاه‏هاى متقابل، بسيارى از مسائل مبادله مى‏شود و بدين علت مى‏تواند كارساز باشد و در شناخت همسر ايده آل، نقش مهمى ايفا نمايد.

2 . اكثر مراجع بزرگ معاصر بر جواز نگاه انسان به زنى كه مى‏خواهد با او ازدواج كند، فتوا داده‏اند. حضرت آية الله بهجت مى‏فرمايد: «بنابر اظهر، نگاه كردن به مو و محاسن ديگر آن زن هم [كه مى‏خواهد با او ازدواج كند] با همين شرايط [نبودن مانع شرعى براى ازدواج با زن و احتمال پيدا كردن اطلاعات تازه با نگاه به او ]جايز است و وجهى دارد كه زن هم بتواند به مردى كه مى‏خواهد با او ازدواج كند، با شرايطى كه گفته شد، نگاه كند».(4) در غير اين صورت، زن و مرد اجنبى بايد از نگاه‏هاى آلوده و چشم چرانى خوددارى نمايند، چرا كه پوشش اسلامى، نماد عفت و پاكى زن مسلمان است. حجاب، منشأ قداست و طهارت خانواده هاست. زن عفيف، همسر با تعصب و نجيب را انتخاب مى‏كند؛ همان گونه كه جوان نجيب، دختر با عفت را مى‏طلبد.

پوشش كاملِ زنان، عفاف، آزرم و حيا را در آنان حفظ مى‏كند. محمد جواد مغنيه، صاحب كتاب «الفقه على المذاهب الخمسه» مى‏نويسد: تمام فقهاى مذاهب پنجگانه (جعفرى، شافعى، مالكى، حنفى و حنبلى) در اين امر اتفاق نظر دارند كه بر زن‏ها و مردها واجب است هنگام نماز، مواضع زينت و يا تمام بدن را بپوشانند. بر مردها فقط پوشاندن شرمگاه‏ها واجب است، گر چه پوشاندن تمام بدن در حال نماز مطلوب مى‏باشد. خانم‏ها بايد اندام، موهاى سر و كليه مواضع زينت را از نامحرمان پوشيده نگه دارند.

مقصود از مواضع زينت يعنى اعضايى كه نه تنها خود به گونه طبيعى زينت محسوب شده و جذابيت ويژه‏اى دارد، بلكه معمولاً زينت‏هاى مصنوعى در آن قسمت از اعضا قرار مى‏گيرند و بر جذابيت زن مى‏افزايند؛ مانند: گوش‏ها كه جاى گوشواره است، زير گلو و گردن كه موضع گردن بند مى‏باشد، بالاى مچ دست‏ها كه النگو و دست بند قرار مى‏گيرد، مچ پاها كه خود از موارد زينت و جاى خلخال مى‏باشد و در ميان بعضى از عشاير و زن‏هاى عرب، معمول بوده است و موهاى سر كه يكى از زيباترين زينت‏ها محسوب مى‏شود. اين بخش‏هاى بدن بايد به تمام و كمال پوشانده شوند، به گونه‏اى كه اگر چند تار مو از بالاى پيشانى، زير روسرى و يا چادر نمايان گردد، در صورتى كه عمدى و آگاهانه باشد، از گناهان كبيره به شمار مى‏رود و گذشته از عوارض دنيوى، كيفر سختى نيز در جهان آخرت خواهد داشت. فقط پير زن‏هاى از كار افتاده و دختران نابالغ از اين قانون مستثنا شده‏اند. حكمت آن نيز روشن است، زيرا پير زن‏هاى سال خورده، جاذبه‏ها را از دست داده‏اند و دختران خردسال هم از مسائل جنسى بى‏خبرند.

بعضى مى‏گويند: مهم‏ترين شاخصه جمال زن در زيبايى چهره‏اش نمايان مى‏شود، پس چگونه است كه فقيهان اسلامى، صورت را استثنا كرده‏اند، ولى پوشاندن موها را واجب دانسته‏اند؟

يكى از مراجع تقليد مى‏فرمايد: بر زن، باز گذاشتن صورت و دست‏ها در برابر نامحرم جايز است، ليكن مشروط بر اين كه از عدم وقوع خود و ديگران در حرام مطمئن باشد و كشف وجه و كفين به انگيزه جلب نظر نامحرمان نباشد و به صورت كلى باعث فتنه نشود وگرنه پوشاندن دست‏ها و صورت حتى از كسانى كه با او محرمند، (به جز همسر) واجب است.(5)

به عبارت ديگر، پوشاندن دست‏ها و صورت از نظر فقها مطلوب است، ولى اگر چهره زنى موجب به گناه افتادن ديگران شود، پوشاندن بخش اعظم آن را لازم مى‏دانند؛ ولى چهره‏هاى معمولى، در صورتى كه بدون آرايش باشد، پوشاندنش واجب نيست. مضاف بر اين كه بسيارى از فقيهان، پوشش نيمى از چهره زن را به صورت احتياط فتوا داده‏اند. در ضمن از اين نكته هم نبايد غفلت كرد اين كه فقها پوشش چهره زن را استثنا كرده‏اند، به علت اين است كه بانوان در رفت و آمدها گرفتار مشقت مى‏شوند و عسر و حرج ايجاب مى‏كند كه پوشش گردى صورت واجب نباشد، ولى اطراف و پيرامون چهره زن بايد مستور باشد، چرا كه بر جاذبه زن مى‏افزايد.

حكمت ديگر حجاب، سالم سازى جامعه اسلامى، صيانت اخلاقى و حفاظت بانوان از خطر تعرض فرصت طلبان و بوالهوسان است. اگر حفظ پوشش توأم با فرهنگ اسلامى باشد، باعث سلامت روحى، جسمى، مادى و معنوى جامعه مى‏شود، زيرا اغلب طلاق‏ها، تنش‏ها، تضادهاى خانوادگى، بى مهرى‏ها و ساير مفاسد اجتماعى، در اثر نگاه‏ها و روابط نامشروع و اختلاط بين دو جنس مخالف فراهم مى‏گردد. گر چه غالب بانوان و دوشيزگان جامعه ما در اتخاذ بد حجابى و شيوه كاستن از حجاب كامل، قصد و غرضى ندارند، ليكن بايد بدانند بينندگان همگى نيك انديش و پاك نمى‏باشند. برخى گمان مى‏كنند اين گونه بانوان خداى ناكرده بزه‏كارند و گروهى با چشم چرانى‏ها، در پى فرصت‏هاى مساعد مى‏گردند تا شكار خود را از ميان آنان به دست آوردند. كم نيستند نوعروسانى كه همسرانشان با خانواده‏هاى بد حجاب رفت و آمد كرده و زندگى خود را به تباهى كشيده‏اند. بى گمان، بد حجابى زنان موجبات جلب توجه نامحرمان را فراهم ساخته و زن و مرد را به گناه و روابط نادرست مى‏كشاند. با وجود اين، بسيارى از دختران و بانوان بد حجاب، علاقه‏مند به اسلام هستند؛ از اين رو نظر فقهاى اسلام و مراجع تقليد مى‏تواند براى آنان سازنده باشد.

حجاب از نظر مراجع تقليد

تمام مراجع تقليد از عصر شيخ طوسى تاكنون، در مسائلى كه ذيلاً مى‏آوريم، اتفاق نظر دارند:

1 . پوشيدن جوراب نازك (6) و بدن نما براى خانم‏ها در بيرون از منزل و همچنين آرايش زنان (7) در خيابان‏ها و بيرون گذاشتن مقدارى از موها و پوشيدن لباس‏هاى محرك،(8) حرام است.

2 . حجاب از ضروريات اسلام است و منكران آن، مرتد هستند؛ ولى بى اعتنايى به آن با عدم انكار، موجب فسق است و گناه محسوب مى‏شود.

3 . عده‏اى در سخنرانى‏ها مى‏گويند: چادر مشكى براى بانوان، مكروه است و بايد پوشش جديدى جايگزين آن شود. در پاسخ اين عده بايد گفت: چادر سياه مانند عباى سياه، كراهت ندارد، بلكه مطلوب است. چادر مشكى، يك نوع حجاب و بهترين آن محسوب مى‏شود و چون پوشيدن بدن بر بانوان واجب مى‏باشد، بدين دليل چادر بهترين نوع پوشش واجبى است كه زن‏هاى مؤمنه از آن استفاده كرده و اندام خود را با آن مى‏پوشانند.(9) از اين رو مراجع بزرگوار و كارشناسان اسلام مى‏فرمايند: سزاوار است خانم‏ها از چادر استفاده كنند، زيرا چادر در كشور اسلامى ايران، از مظاهر و شعاير اسلام مى‏باشد. بانوان محترم با حفظ اين شعار سعى كنند حركت خزنده‏اى را كه بر ضد چادر كه يك حجاب ملى و سنتى است، آغاز گرديده، خنثى نمايند.(10) بنابر اين، عموم مراجع تقليد، چادر را بهترين و برترين نوع حجاب مى‏دانند؛ گرچه حجاب‏هاى ديگر را هم حجاب اسلامى مى‏دانند؛ البته در صورتى كه تمام بدن به ويژه موها و اندام را كاملاً بپوشاند.

خاتمه‏

خواهران و بانوان گران قدر:

پيشينه و تاريخ حجاب به آغاز آفرينش انسان مسئول برمى‏گردد و موضوع تازه‏اى نيست كه درباره علل آن به جست و جو بپردازيم. در مقابل، بد حجابى و برهنگى، پديده‏اى تازه است. به گفته چارلى چاپلين: «برهنگى زنان، بيمارى قرن ماست» كه بايد در علل پيدايى آن، به تحقيق و تفحص پرداخت.

نوع لباس و پوشش بانوان در هر كشورى، نماد ملى و فرهنگى آن كشور محسوب مى‏شود. بانوان تركمن حجاب خاصى دارند؛ چنانچه زن‏هاى محترم بلوچ و عشاير نيز پوشش مخصوصى دارند. شهرستان‏ها و روستاهاى ايران به فراخور آداب و سنن اجتماعى و فرهنگى خود پوشش ويژه‏اى را انتخاب كرده‏اند، لكن به طور كلى چادر مشكى، يك حجاب همگانى و مشترك بين اقوام مختلف شيعه و سنى در كشور ما به شمار مى‏رود. گرچه غالب كشورهاى اسلامى نظير ايران، از چادر براى پوشش خود استفاده مى‏كنند، ولى در ايران، چادر، لباس ملى و مذهبى ماست.

خوانندگان عزيز نبايد از اين نكته غفلت كنند كه هر نوع دگرگونى در ساختار فرهنگى و اجتماعى، با تغيير پوشش و نوع لباس همراه است؛ چنانچه استيلاى فرهنگى و سلطه پذيرى نيز، از تحول فرهنگ پوشش، جدا نمى‏باشد. بانوانى كه وضع حجاب آنها مناسب با شخصيت فردى و اجتماعى شان نيست، بى گمان تحت تأثير سلطه فرهنگ استعمارى قرار دارند. اين عده بايد توجه داشته باشند كه بافت اعتقادى و فرهنگى ايران اسلامى با مشخصات خاصى كه دارد، با فرهنگ اخلاق غربى در تضاد است؛ مثلاً معاشرت دختر و پسر و زن و مرد در ميان غربى‏ها، حريم و حرمتى ندارد و ثمره آن، وجود انواع نابسامانى‏ها، طلاق‏ها، افسردگى‏ها، بدبينى‏ها و خودكشى‏هاست؛ اما ضرورت حفظ حريم و حرمت ميان نامحرمان در كشور ما، موجب وحدت و صميميت شده و مى‏شود. بنابر اين همه دختران معصوم و بانوان گران سنگى كه به عللى حجاب كامل را رعايت نمى‏كنند، با كوچك‏ترين يادآورى و تنبّه، به خود آمده، حجاب را با فرهنگ كامل آن پذيرا مى‏شوند و امنيت جسمى و روانى را براى خود به ارمغان مى‏آورند. بانوان با حجاب ما مانند آن بانوى قهرمان تركيه كه شش سال زندان لائيك‏ها را تحمل كرد، ولى دست از تبليغ گفتارى و عملى چادر برنداشت، هرگونه زخم زبان و استهزاى بوالهوسان را تحمل مى‏كنند، ولى حجاب ملى و اسلامى خود را از دست نمى‏دهند؛ حتى در خط مقدم جبهه و جهاد فرهنگى فرياد بر مى‏آورند:

اى زن به تو از فاطمه اين گونه خطاب است‏

ارزنده‏ترين زينت زن حفظ حجاب است‏

فرمان خدا، قول نبى، نصّ كتاب است‏

از بهر خدا افضل طاعات، حجاب است‏

زنان و دختران ما مى‏دانند كه خودنمايى و دل‏ربايى بايد مخصوص همسرانشان باشد، نه نامحرمان كوچه و بازار. در ايران اسلامى، جوان‏ها به خواستگارى دخترانى مى‏روند كه از نجابت و عفت والايى برخوردارند. لباس‏هاى شاد و محرك، در شأن يك دختر ايرانى و مسلمان نيست، چرا كه حجاب بايد از بيرون، مانع دست‏يابى ديگران به گناه و چشم چرانى‏ها باشد و از درون، اعتقادات دينى و فرهنگى را مصونيت بخشد.

قرآن مى‏فرمايد: «قل للمؤمنين يغُضّوا من ابصارهم؛(11) به مردان مؤمن بگو كه چشمانشان را از نگاه به مواضع حرام فرو افكنند». در آيه بعدى مشروح‏تر مى‏فرمايد: «و قل للمؤمنان يغضضن من ابصارهنّ و يحفظنَ فروجهُنّ و لا يُبدين زينتهنّ الاّ لبعولتهن؛(12) به بانوان مؤمن نيز بگو كه چشمان خود را از نگاه به نامحرمان فرو پوشند و عفت خويش را پاس دارند و زينت و زيبايى‏هاى خود را از نامحرمان بپوشانند و تنها براى شوهران و ساير محارم خويش نشان دهند». قرآن همچنين در مقام حجاب رفتارى مى‏فرمايد: «فلا تخضعن بالقول فيطمع الذى فى قلبه مرض؛(13) به زنان با ايمان بگو با مردان به نرمى حرف نزنند تا مبادا آن كه دلش بيمار است، به هوس و طمع افتد» و براى شكار زنان دام‏هاى گوناگون بگستراند.

رساله‏هاى عمليه مراجع، گفت و گوى غير ضرورى با نامحرمان و خلوت كردن با آنان را صحيح نمى‏دانند. مجموع اين توصيه‏هاى گفتارى و رفتارى به اضافه انتخاب نوع لباس و فرهنگ حجاب مى‏تواند آحاد جامعه را از نظر عفاف و اخلاق بيمه كند. بايد گفت كه چادر و حجاب ظاهرى به تنهايى كافى نيست، بلكه مجموعه‏اى از فرهنگ و عقايد است كه عفت عمومى را گسترش داده و ازدواج را روز افزون مى‏كند. مضافاً اين كه هدف اصلى حجاب، رسيدن به تقوا و قرب به خداست، چرا كه بى حجابى، خودآرايى، خودنمايى و تجمل گرايى، تكبر و غرور در پى دارد، همه خصلت‏هاى ناروا و زشت درونى بانوان را پرورش داده و آشكار مى‏سازد و بدين وسيله، آنان را از خدا و معنويت و بلكه از محبوبيت راستين اجتماعى دور كرده، گرفتار دلهره، اضطراب و شكست اخلاقى مى‏كند.

آرى، اِعراض از ياد خداست كه آدمى را در تنگناى معيشت و زندگى پر از شك و التهاب گرفتار مى‏سازد، پيوندهاى زناشويى را از هم گسسته و آمار طلاق را بالا مى‏برد.

من آنچه شرط بلاغ است با تو مى‏گويم‏

تو خواه از سخنم پند گير، خواه ملال

پىنوشت ها:

1) سيد مسعود معصومى، احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعى آن، ص 70.

2) همان، ص 71.

3) صحيح مسلم، ج 4، ص 143.

4) احكام بانوان، ص 126؛ توضيح المسائل مراجع، ج 2، ص 421.

5) آية الله سيستانى، الفقه للمغتربين، ص 305.

6) سيد مسعود معصومى، همان، ص 79.

7) همان، ص 84 و 85.

8) همان، ص 76.

9) تمام مراجع بالاتفاق مى‏فرمايند: چادر سياه، كراهت ندارد.

10) حسين مهدى‏زاده، حجاب‏شناسى، ص 164.

11) نور (24) آيه 30.

12) همان، آيه 31.

13) احزاب (33) آيه 32.